سوگند؛ قربانی جدید همسرکشی

مرد ۲۰ ساله‌ای که همسر ۱۴ ساله خود را در ارزوئیه کرمان به قتل رسانده بود، سرانجام دستگیر شد و به جنایت خود اعتراف کرد. براساس اعلام فرمانده انتظامی شهرستان ارزوئیه، این مرد به‌دلیل اختلافات خانوادگی، همسر خود را مورد ضرب و جرح قرار داده و این اقدام به مرگ زن نوجوان منجر شده است.

روز سه‌شنبه بود که خبر قتل یک مادر نوجوان ۱۴ ساله به نام سوگند مشترکی که تنها ۱۰ روز بود صاحب فرزند دختر شده بود، در فضای مجازی منتشر شد. متهم به قتل کسی نبود جز همسر او، اما علت جنایت هنوز مشخص نبود و حرف و حدیث‌های زیادی در این زمینه در فضای مجازی مطرح بود.

پدر سوگند درحالی‌که اشک می‌ریخت، در گفت‌وگو با جام جم در تشریح این جنایت گفت: «خبر قتل دخترم به تهران هم رسید؟ دخترم را کشت. من هشت فرزند دارم و سوگند فرزند هشتمم بود. زندگی دخترم به دست دامادم نابود شد و او در اوج جوانی از دنیا رفت. متهم به قتل، دخترم را در مسیر مدرسه دیده و عاشق او شده بود. او درحالی می‌خواست با دخترم ازدواج کند که فرزندم هنوز دانش‌آموز بود اما من مخالف بودم. آنها ظاهر خوبی داشتند اما از باطن شان خبر نداشتیم. متهم به قتل کارمند اداره برق بود و تصمیم گرفتیم در مورد او تحقیقات کنیم تا ببینیم خود و خانواده‌اش چطور آدم‌هایی هستند. به ما گفتند آدم زرنگی است و بلد است چطور پول دربیاورد. من اصلا راضی به این ازدواج نبودم اما مادرش چون مریض بود، می‌گفت آرزو دارم کف دست دخترم حنا بگذارم. من هم از روی ناچاری پذیرفتم. به محضر رفتیم اما در همان محضر هم اختلافات‌شان آغاز شد. آنجا دست دخترم را گرفتم که بروم بیرون. حتی رئیس محضر گفت اگر این دختر مال من بود به تو نمی‌دادم آقا داماد. در هر صورت و به خاطر همسرم آنها با هم ازدواج کردند اما از همان روزهای اول هم دخترم یک روز خوش ندید. ازدواجش حتی به یک سال هم نکشید. دخترم می‌گفت وقتی به خانه می‌آید سر هر مسأله کوچکی عصبانی می‌شد و من هم کوتاه می‌آمدم. وقتی می‌خواست از خانه بیرون برود، در را رویم قفل می‌کرد.»

اختلافات خانوادگی همچنان ادامه داشت و سوگند باردار بود تا این‌که زمان وضع حمل فرا رسید.

پدر در ادامه می‌گوید: «پس از زایمان دخترم، فرزندش مبتلا به زردی بود. او را به بیمارستان بردند و داخل دستگاه گذاشتند. شوهرش می‌گفت هیچ‌کس نباید کنارت باشد. دخترم تنها در بیمارستان کنار دخترش بود و شوهرش هم حضور داشت. دخترم می‌گفت سه روز بود غذا نخورده بودم. نه می‌گذاری مادرم برایم غذا بیاورد و نه مادرت برایم چیزی برای خوردن می‌آورد. دخترم تازه زایمان کرده بود و ضعیف شده بود و به مراقبت نیاز داشت اما در آن شرایط تنها و مریض مانده بود. دست و پای بچه‌ام از گرسنگی می‌لرزید و استرس شدید داشت. حتی در بیمارستان هم گفته بود که من گرسنه‌ام. اینها بچه را برداشتند و راهی خانه شدند اما حوالی ساعت ۱۱ و ۱۲ ظهر، در میانه راه، دوباره بین‌شان درگیری پیش آمد و شروع به کتک کاری کردند. شوهرش ماشین را کنار جاده متوقف کرد و دخترم را از آن بیرون کشید و با قمه‌ای که همراه داشت، ضربه‌ای به سر او زد. این موضوع در گزارش پزشکی قانونی هم قید شده است. من از این موضوع اطلاع نداشتم تا زمانی‌که از کلانتری تماس گرفتند و خبر قتل دخترم را دادند. او دستگیر شده و به قتل هم اعتراف کرده است.

مکث

قتل با انگیزه خانوادگی

موضوع را از طریق پلیس کرمان پیگیری کردیم که یک مقام آگاه درباره دستگیری متهم گفت: مسئولان بیمارستان باهنر کرمان در تماس با پلیس از مرگ مشکوک دختری نوجوان در بیمارستان خبر دادند. با حضور تیم جنایی در بیمارستان مشخص شد دختر نوجوان حدود ۱۰ روز قبل مادر شده بود. زن نوجوان از طریق همسرش به بیمارستان منتقل و ساعاتی بعد به علت شدت صدمات به سرش جانش را از دست داده است. در تحقیقات اولیه کارآگاهان به همسر دختر نوجوان مشکوک و او را در همان بیمارستان دستگیر کردند. متهم ابتدا منکر درگیری با همسرش شد و ادعا کرد بعد از این‌که سر همسرش گیج رفته و تعادلش را از دست داده، زمین خورده و او بلافاصله همسر نوجوانش را به بیمارستان آورده است. بازجویی تخصصی از همسر مقتول داد‌مه داشت تا اینکه او با اعتراف به وارد کردن ضربات سخت به سر همسرش گفت: ما ساکن یکی از روستاهای شهرستان ارزوئیه هستیم. از چندی قبل با خانواده زنم دچار اختلاف شدم و روابط خوبی نداشتیم و من با آنها رفت‌وآمد نمی‌کردم. حدود ۱۰ روز قبل صاحب فرزند شدیم. بعد از گذشت ۱۰ روز سوگند مدعی شد می‌خواهد به دیدار خانواده‌اش برود و چند روزی آنجا بماند که من به دلیل اختلاف با آنها، مخالفت کردم. بین ما جر و بحث پیش آمد و تبدیل به درگیری شد. از کوره در رفتم و چند ضربه به سر و صورت سوگند زدم. سریع او را به بیمارستان باهنر کرمان آوردم و چند ساعت بعد پزشکان مرگ او را اعلام کردند. من قصد کشتن همسرم را نداشتم.

سناریوی مرگبار برای نخبه فیزیک

دو خواهر که به اتهام قتل مردی ثروتمند و نخبه فیزیک در زندان به سر می‌برند، در حالی پای محاکمه رفتند که برادرشان نیز پس از آزادی با وثیقه در دادگاه حضور یافت. این سه خواهر و برادر متهم هستند برای تصاحب اموال مرد تاجر، او را به قتل رسانده‌اند؛ اتهامی که هر سه در جلسه دادگاه آن را رد کردند.

تحقیقات جنایی این پرونده از پاییز سال ۱۳۹۹ و با شکایت فرزندان مرد تاجری درباره مرگ مشکوک پدرشان آغاز شد. بررسی‌ها نشان داد آنها برای مراقبت از پدر سالخورده خود، پرستاری استخدام کرده بودند اما چند ماه بعد این زن با آنها تماس گرفته و خبر داده بود پدرشان بر اثر ابتلا به کرونا فوت کرده است. فرزندان مرد تاجر مدتی بعد متوجه سرقت اموال و دارایی‌های پدرشان شدند و از طریق وکیل خود موضوع را پیگیری کردند. بررسی‌های وکیل نشان داد دلار، سکه، مدارک و اسناد، همچنین تابلوهای نفیس نقاشی که ارزش هرکدام بیش از یک میلیارد تومان بود، از خانه مرد تاجر سرقت شده است. علاوه بر این، مبالغ زیادی نیز از حساب بانکی او برداشت شده بود. کشف این سرقت‌ها احتمال قتل مرد تاجر را مطرح کرد.

برای مشخص شدن علت دقیق مرگ، دستور نبش قبر صادر شد. همزمان پرستار زن و خواهرش بازداشت شدند و بخشی از اموال سرقتی نیز در خانه آنها کشف شد. پرستار در تحقیقات مدعی شد مرد تاجر به او علاقه‌مند شده و وی را صیغه کرده بود.

بررسی‌ها نشان داد صیغه‌نامه ارائه‌شده از سوی پرستار جعلی است. از سوی دیگر، پزشکی قانونی پس از بررسی جسد، علت مرگ را مسمومیت اعلام کرد. در پی تکمیل تحقیقات، برای دو خواهر به اتهام مباشرت و معاونت در قتل کیفرخواست صادر شد. برادر آنها نیز به همکاری با این دو زن در انتقال اموال و دارایی‌ها متهم است. پرونده برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال و دیروز به آن رسیدگی شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، در ابتدای جلسه دادگاه، قاضی محسن اصغری، نماینده دادستان با تشریح کیفرخواست گفت: متهم ردیف اول به نام میترا، بدون سابقه محکومیت کیفری، به مباشرت در قتل عمدی محمود و مشارکت در سرقت متهم است. او به‌عنوان پرستار به خانه این مرد رفت‌وآمد داشت و در این مدت اقدام به سرقت اموال و انتقال غیرمجاز دارایی‌های او کرده بود. میترا در دوران کرونا با خوراندن مقدار زیادی متادون به محمود، باعث مسمومیت و مرگ او شده بود. به گفته نماینده دادستان، میترا پس از مرگ محمود، گواهی فوت برای او جعل کرده و با کمک افراد دیگر، صیغه‌نامه‌ای با تاریخ یک‌سال پیش از فوت مرد تهیه کرده بود تا رابطه زوجیت خود را با او اثبات کند. کلاهبرداری رایانه‌ای به مبلغ ۸۸۰ میلیون تومان و دریافت رشوه ۱۰ میلیون تومانی نیز از دیگر اتهامات این زن است. نماینده دادستان در ادامه به اتهامات چهار متهم دیگر پرونده اشاره کرد و گفت: خواهر متهم ردیف اول به معاونت در قتل، مشارکت در جعل و استفاده از صیغه‌نامه مجعول، مباشرت در سرقت و کلاهبرداری متهم است. برادر این دو خواهر نیز به مشارکت در سرقت، جعل و استفاده از سند مجعول، مخفی کردن ادله جرم و سرقت هارد دوربین‌های مداربسته متهم شده است. دو متهم دیگر پرونده نیز در تهیه صیغه‌نامه جعلی نقش داشته‌اند. با توجه به شکایت اولیای دم، گزارش پزشکی قانونی و تحقیقات انجام‌شده، درخواست صدور حکم قانونی برای متهمان را دارم.

در ادامه، وکیل اولیای دم در جایگاه قرار گرفت و با درخواست اشد مجازات برای متهمان، نسبت به برخی نواقص کیفرخواست اعتراض کرد. او گفت: در قرار اولیه، سرقت‌های انجام‌شده مشدد و همراه با آزار و مسمومیت عنوان شده بود اما این موضوع در کیفرخواست مورد توجه قرار نگرفته است. تعداد سکه‌های سرقت‌شده نیز بیشتر از رقمی است که در پرونده قید شده است. وکیل اولیای‌دم در تشریح ماجرای کشف مرگ محمود گفت: فرزندان مقتول مدتی با پدرشان تماس می‌گرفتند اما او پاسخ نمی‌داد. حتی دایی خود را به مقابل خانه فرستادند، ولی باز هم خبری از او نشد. در نهایت، دایی مقتول برای پیگیری موضوع به کلانتری مراجعه کرد و متوجه شد مونا، خواهر متهم ردیف اول، به اتهام سرقت از همسایه طبقه بالایی بازداشت شده است. پس از مراجعه به خانه محمود، با وضعیت نامناسب او روبه‌رو شد. وی افزود: در ادامه محمود را به بیمارستان منتقل و اعلام کردند به کرونا مبتلاست، در حالی که نتیجه آزمایش او منفی بود. در بیمارستان نیز مشخص شده بود که مقدار زیادی دیازپام مصرف کرده است. او حدود ۲۴ ساعت پس از ترخیص از بیمارستان فوت کرد و شش ساعت بعد از مرگش با اورژانس تماس گرفته شد. این در حالی است که متهمان در همان ایام درگیر تهیه صیغه‌نامه بودند. پس از آن، رئیس دادگاه با تفهیم اتهام به میترا از او خواست از خودش دفاع کند. این زن با رد اتهاماتش گفت: پیش از این از زنی در میرداماد نگهداری می‌کردم که فردی به من پیشنهاد داد برای مراقبت از محمود به خانه او بروم. حدود ۳۰ سال اختلاف سنی داشتیم. چون به مسائل شرعی پایبند بودیم، محمود گفت اگر قرار است در خانه‌اش بمانم، باید صیغه شویم. به همین دلیل با یکی از دوستانش تماس گرفت و صیغه خواندیم. محمود وضع مالی خوبی داشت و حتی پیشنهاد می‌کرد برایم خانه بخرد اما قبول نکردم و گفتم تا زمانی که خودش زنده است، به چنین چیزی فکر نمی‌کنم. او با خانواده همسرش ارتباطی نداشت و نمی‌خواست کسی متوجه شود که من همسرش هستم. محمود متادون مصرف می‌کرد اما من هیچ‌وقت به او متادون ندادم. میترا درباره روز مرگ محمود نیز گفت: در دوران کرونا به بیماری مبتلا شد و او را به بیمارستان بردم. یک روز با من تماس گرفتند و خبر دادند که مرخص شده است. پس از انتقال او به خانه، برای تهیه دارو بیرون رفتم، اما وقتی برگشتم، متوجه شدم فوت کرده است. با خواهرم تماس گرفتم و چون نمی‌دانستم باید چه کار کنم، او گفت با اورژانس تماس بگیرم. نیروهای اورژانس آمدند و مرگش را تأیید کردند. این زن درباره انتقال جسد و وسایل مقتول گفت: همسرم دوست داشت در رفسنجان و کنار پدر و مادرش دفن شود. من خیلی تلاش کردم اما به‌دلیل شرایط کرونا این کار ممکن نشد. در نهایت با برادر همسر قبلی او تماس گرفتم تا برای دفنش اقدام کند. پس از آن نیز برادرزن سابقش تماس گرفت و خواست برای نگهداری از یک زن جوان و نوزادش به خانه محمود بروم اما وقتی به آنجا رفتم مرا در اتاقی حبس کرده و با پلیس تماس گرفتند.



متهم در ادامه درباره سایر اتهاماتش اظهار کرد: من در زندگی فقط شعر خوانده و ساز زده‌ام و از این مسائل سررشته‌ای ندارم. صیغه‌نامه را هم جعل نکردم و خود محمود اصرار داشت چنین سندی داشته باشیم. او تاریخ صیغه‌نامه را خودش به گذشته برگرداند. یک‌بار هم کارت بانکی شوهرم را به برادرم دادم تا برایم طلا و سکه بخرد، چون خودم این کار را بلد نبودم. وکیل میترا نیز با اشاره به گزارش پزشکی قانونی گفت: با توجه به گزارش پزشکی قانونی نمی‌توان درباره ارتکاب قتل به قطعیت رسید. با توجه به سابقه بیماری مقتول و احتمال مصرف داروهای مسکن از سوی او، انتساب قتل به موکلم محل تردید است.

در ادامه، مونا، خواهر متهم ردیف اول، در جایگاه قرار گرفت و اتهاماتش را رد کرد. او گفت: با بررسی موقعیت تلفن همراهم، مشخص می‌شود در زمان وقوع این اتفاق در شهرستان و خانه خودم بودم و دخالتی در ماجرا نداشتم. اگر واقعا اموال سرقتی در اختیارمان بود و وضع مالی خوبی داشتیم، وکیل تعیینی می‌گرفتیم، نه این‌که در زندان برای تأمین هزینه‌های زندگی کار کنیم.

رئیس دادگاه درباره گواهی فوت که کارشناسی آن را به خط مونا منتسب کرده بود، از او سؤال کرد. این متهم پاسخ داد: این موضوع به من ابلاغ نشده بود و اگر اطلاع داشتم، حتما اعتراض می‌کردم. وسایلی هم که از خانه برداشتم، متعلق به خودم بود. طوری درباره بردن وسایل صحبت می‌کنند که انگار آنجا موزه بوده و مارفته‌ایم همه چیز را بار زده‌ایم و آورده‌ایم!

سپس برادر این دو خواهر در جایگاه قرار گرفت و درباره اتهاماتش گفت: اگر منظور از جعل سند، صیغه‌نامه است، این مراسم در خانه من برگزار شد. فردی به خانه آمد و صیغه را خواند و من هم آخرین نفری بودم که سند را امضا کردم. یک‌بار هم میترا کارتی به من داد تا برایش طلا و سکه بخرم. فقط ۵۰ میلیون تومان به یک نفر بدهکار بودم که با اجازه خواهرم، از همان کارت بدهی‌ام را پرداخت کردم. اتهامات را قبول ندارم.

در پایان جلسه، با توجه به اعتراض وکیل اولیای‌دم به نواقص کیفرخواست و ضرورت بررسی موارد مطرح‌شده، دادگاه رسیدگی را تجدید کرد.

بروسلی و پیر خلاف در تور پلیس

در عملیات ضربتی پلیس پایتخت، ۲۵۳ سارق و مالخر بازداشت شدند. ارزش اموال کشف‌شده از این افراد بیش از ۱۱۵ میلیارد تومان برآورد شده است. به گزارش خبرنگار جام‌جم، سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در حاشیه طرح دستگیری سارقان و مالخران که دیروز در پلیس آگاهی تهران بزرگ برگزار شد، اظهار داشت: همکارانم در مجموعه پلیس آگاهی تهران از ابتدای هفته تا نوزدهم آبان‌ماه، ۲۵۳ سارق و مالخر را بازداشت کردند. ارزش اموال کشف‌شده بیش از ۱۱۵ میلیارد تومان برآورد می‌شود. در میان کشفیات، چند کامیون مواد شوینده و بهداشتی تقلبی نیز هست که همکارانم به‌موقع توانستند از ورود این کالاها به بازار و توزیع آنها جلوگیری کنند.



عکس: مجید آزاد / جام جم

از پای چوبه دار تا گردنبندقاپی

مرد ۴۵ ساله بابت گردنبندقاپی بازداشت شده و می‌گوید: متاهلم و یک پسر دارم. همه بدبختی‌هایم به‌خاطر رفاقت شروع شد. سال ۸۴ برای نجات دوستم به محله‌ای در جنوب تهران رفتم که با افرادی درگیر بود. در هواخواهی از او دست به چاقو بردم و مردی را کشتم. ۱۶ سال زیر حکم قصاص بودم. دو بار پای چوبه دار رفتم و مرگ را دیدم تا این‌که چند سال قبل خانواده و خیرین توانستند پول دیه را پرداخت کنند و آزاد شدم. مادرم از غصه من که زندان بودم فوت کرد.

قاتل بخشیده‌شده ادامه داد: پس از آزادی، با خودرو مسافرکشی می‌کردم، اما به پیشنهاد دوستم به گردنبندقاپی روی آوردم. چاقویی برمی‌داشتم و صبح‌ها از خانه بیرون می‌رفتم. زنانی را که در خیابان گردنبند به گردن داشتند، شناسایی و تعقیب می‌کردم. سپس در محله‌ای خلوت، چاقو را زیر گلوی‌شان می‌گذاشتم و با تهدید و زور، گردنبند طلای‌شان را به سرقت می‌بردم.

وسوسه پول زیاد

لیلا متهم زن دیگری است که می گوید: سال ۹۲ در یک شرکت خدمات مسافرتی کار می‌کردم و مسئول تهیه بلیت بودم. روزانه مبالغ زیادی را جابه‌جا می‌کردم. به همین دلیل، وسوسه شدم از مشتریان کلاهبرداری کنم. به بهانه تهیه بلیت، پول‌شان را می‌گرفتم، اما بلیتی صادر نمی‌کردم. به این شیوه، ۵۶۰ میلیون تومان کلاهبرداری کردم و متواری شدم. پس از شکایت مالباختگان، پلیس دستگیرم کرد و الان در زندانی هستم.

وی ادامه داد: هفت سال حبس گرفتم. پس از پایان دوران محکومیتم، بخشی از بدهی‌ام را بابت رد مال پرداخت کردم، اما برای تأمین باقیمانده آن به پول نیاز داشتم. این بار به بهانه وام، کلاهبرداری کردم.

علاوه بر آن با بررسی سایت دیوار و فضای مجازی، خانواده‌هایی که در جست‌وجوی پرستار خانگی بودند را شناسایی می‌کردم و برای نگهداری از بیمار یا سالمند به خانه‌های‌شان می‌رفتم تا اعتمادشان را جلب کنم. بعد دوز دارویی آنها را بیشتر و طلاهای‌شان را سرقت می‌کردم. با مردی آشنا شدم و ازدواج کردم اما از دزدی‌هایم خبر ندارد و حالا دیگر حتما مرا طلاق می‌دهد.

فرجام کارت‌های اجاره‌ای

شهروز، مردی میانسال که به قول خودش پیر خلاف است، می‌گوید: اعتیاد و مصرف شیشه و هرویین مرا از خانواده‌ام جدا کرد. کارم را از دست دادم و مواد می‌فروختم و دله‌دزدی می‌کردم. سال‌هاست که کارم شده اجاره‌دادن کارت‌های بانکی‌ام به خلافکارها. از یک میلیون تا ۱۰ میلیون تومان پول می‌گرفتم. بعد می‌رفتم و کارتم را مسدود می‌کردم که گرفتار نشوم. اما این بار کارتم را به مردی اجاره دادم که کلاهبردار بود. چهارمیلیارد تومان کلاهبرداری کرد. آمدم کارتم را مسدود کنم که پلیس دستگیرم کرد. کلاهبردار فرار کرد و من باید چهارمیلیارد تومان را به مردم بازگردانم و بدبخت شدم.

زن سارق که طلا غیب می‌کرد

سپیده، زن ۴۴ ساله‌ای که به اتهام سرقت طلا از خانه‌ها بازداشت شده است، می‌گوید: شوهرم اعتیاد داشت. ۱۷ سال پیش از او جدا شدم و با دو فرزندم زندگی می‌کنم. سرایدار خانه‌ها و کارگر نظافتچی بودم. کم‌کم وسوسه سرقت به جانم افتاد. موقع نظافت خانه طلاهای‌شان را سرقت می‌کردم و با جاسازی در وسایلم می‌بردم. آخرین بار آویزی طلا از خانه مالباخته برداشتم و به لباسم زدم که از من گرفت و برای تلافی انگشتر ۴۰ گرمی‌اش را سرقت کردم و متواری شدم. با شکایت او پلیس دستگیرم کرد و راز دزدی‌هایم برملا شد.

قتل پیرزن برای طلای ۳ میلیاردی

مردی که با انگیزه تصاحب سه میلیارد تومان طلای زن سالخورده، او را کشته و جسدش را دفن کرده بود، به جرم خود اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته مردی با حضور در اداره چهارم پلیس آگاهی تهران شکایت کرد مادر سالخورده‌اش و مبتلا به بیماری آلزایمر به یکباره ناپدید شده است. همه جا را جست‌وجو کرده و سراغ او را از دوستان و اقوام گرفته اما آنها بی‌خبر بودند. ماموران در بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته به تصاویری دست یافتند که نشان می‌داد مردی به این زن نزدیک شده و او را سوار خودرویش کرده و با خود برده است. وقتی تصویر این مرد را به خانواده این زن نشان دادند، معلوم شد وی همسایه پیرزن بوده است. بنابراین این مرد به‌عنوان مظنون اصلی پرونده تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و دو روز پیش با دستور قضایی بازداشت شد. متهم با انتقال به پلیس آگاهی تهران بازجویی شد و سرانجام به قتل زن همسایه اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: می‌دانستم آلزایمر دارد و برخی مواقع همه‌چیز را فراموش می‌کند. آن روز او را به‌طور اتفاقی در خیابان دیدم که می‌خواست به خانه فرزندش برود. به بهانه به مقصد رساندن، سوارش کردم. او طلاهای زیادی همراهش بود که وسوسه‌ام کرد آن را سرقت کنم. در ادامه از محله دور شدیم و او را به اطراف تهران بردم. او را به قتل رساندم و همان جا دفن کردم. هر چه طلا همراه او بود به سرقت بردم. آن را به مبلغ سه میلیارد تومان فروختم و با آن وسایل خانه و ماشین خریدیم.

سرهنگ اصغر خدایی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم به قتل، ماموران به محل دفن جسد رفتند و توانستند آن را کشف کنند. اموالی که متهم با طلاهای سرقتی خریده بود نیز کشف شد. متهم به قتل در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات تکمیلی از وی ادامه دارد.

مرگ کودک با تراکتور

فرمانده انتظامی شهرستان شیروان از وقوع حادثه‌ای مرگبار برای یک کودک پنج ساله عشایری بر اثر گرفتار شدن زیر لاستیک تراکتور خبر داد.

به گزارش خبرگزاری پلیس، سرهنگ سیدسعید عزیزی اظهار کرد: بر اثر بی‌احتیاطی و نبود مراقبت کافی، کودک پنج ساله در محدوده فعالیت یک دستگاه تراکتور قرار گرفت و زیر لاستیک این وسیله نقلیه گرفتار شد که بر اثر شدت جراحات وارده فوت کرد.

کشتن زن باردار در روستا

مردی با شلیک گلوله زن باردار را کشت و با زخمی کردن مادر او متواری شد. به گزارش مهر، در پی وقوع حادثه‌ای به‌دلیل اختلافات خانوادگی در روستای زاغ بخش سیمکان شهرستان جهرم، یک زن جوان باردار به قتل رسید و مادر وی نیز مصدوم شد. معلوم شد عامل جنایت داماد خانواده بوده که با شلیک گلوله این جنایت را رقم زده است. زن جوان به همراه جنین خود جان باخت و مادر وی نیز از ناحیه کتف مجروح و در بیمارستان بستری شد. عامل جنایت گریخته و پلیس در جست‌وجوی اوست.

بازداشت سارقان طلافروشی

دو مرد که با جعل عنوان مأمور انتظامی سه کیلوگرم طلا از یک گالری طلا در اهواز سرقت کرده بودند، بازداشت شدند. سردار حسین زلقی، جانشین فرمانده انتظامی استان خوزستان به سایت پلیس گفت: در پی وقوع یک فقره سرقت به عنف از یک گالری طلا تحت پوشش مأمور انتظامی در شهرستان اهواز، تحقیقات آغاز و مشخص شد متهمان با تماس تلفنی ناشناس، صاحب مغازه را به کلانتری احضار و در مسیر، وی را سوار خودروی کرده و به بیابان‌های اطراف منتقل می‌کنند. وی افزود: سارقان پس از بستن دست و پای مالباخته با کلید موجود در مغازه طلافروشی را باز کرده و حدود سه کیلوگرم طلا را سرقت و متواری شدند. سرانجام هر دو متهم که در شهرستان‌های تابع مخفی شده بودند، دستگیر شدند. متهمان به سرقت به عنف اعتراف و اعلام کردند بخشی از طلا را در شهرستان کارون فروخته و در اهواز و آبادان نیز حدود ۵۰۰ گرم طلای مسروقه کشف و یک دستگاه خودروی چانگان و تیبا خریداری شده از سوی متهمان توقیف شد. مالخری هم بازداشت و به خرید حدود ۸۳ گرم طلای سرقتی اعتراف کرد.